

## تبیین و شناخت مولفه‌های ژئوپلیتیک شهری

محسن جان پرور<sup>۱</sup>

استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

آرش قربانی سپهر

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

تاریخ مقاله: ۱۳۹۶/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۴

### چکیده

شهرها از جمله پدیده‌های فضایی-جغرافیایی هستند که جایگاه و نقش آفرینی گسترده‌ای در طی دهه‌های اخیر کسب کرده‌اند. این نقش آفرینی و بازیگری برجسته شهرها که تا حدی متأثر از تغییرات صورت گرفته پیرامون قدرت و سطوح قدرت، افزایش نقش آفرینی بازیگران فراملی بوده است زمینه ساز شکل‌گیری مباحث ژئوپلیتیک در زمینه شهرها را فراهم آورده است و سبب شده است که گرایش موضوعی جدید در دانش ژئوپلیتیک با عنوان ژئوپلیتیک شهری شکل بگیرد. با شکل‌گیری این گرایش موضوعی تلاش‌های گسترده‌ای در راستای مفهوم سازی آن صورت گرفته است اما در زمینه تبیین و شناخت مولفه‌های ژئوپلیتیک شهری کار خاصی صورت نگرفته است. بر این اساس مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از یافته‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی در پی پاسخدهی به این سوال است که مولفه‌های ژئوپلیتیک شهری شامل بیش از سی مولفه هستند که در قالب چهار بعد مولفه‌های ژئوپلیتیکی با ماهیت طبیعی، مولفه‌های ژئوپلیتیکی با ماهیت انسانی، مولفه‌های ژئوپلیتیکی با ماهیت ترکیبی و مولفه‌های ژئوپلیتیکی با ماهیت انسانی می‌توان آنها را تقسیم‌بندی کرد. شناخت این مولفه‌های ژئوپلیتیک شهری تا حد قابل توجهی می‌تواند در مطالعات علمی و عملی زمینه ساز درک بهتر و واقع بینانه از مسائل و مباحث پیش روی نقش آفرینی‌ها و بازیگری‌های شهری باشد.

**واژگان کلیدی:** شهر، ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک شهری، مولفه‌های ژئوپلیتیک

## مقدمه

شهرها پدیده‌های مکانی - فضایی هستند که بر مبنای بستر جغرافیایی شکل گرفته‌اند و رشد پیدا کرده‌اند، اما در کنار این بستر جغرافیایی که غیر قابل انکار است می‌توان گفت شهر، مهم‌ترین شکل سازمان‌یابی زندگی اجتماعی بشر در عرصه فضا محسوب می‌گردد. جغرافیدانان بر این عقیده‌اند که شهرها در بستر جغرافیا و در راستای تحقق اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با اندام، وزن و نقش خاص شکل می‌گیرند. در واقع شهر سیستم متشکلی از داده‌های فیزیکی، جمعیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در حالتی ترکیبی و مرتبط با هم مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. از این‌رو می‌توان نظام حیات شهری را نظامی باز و متشکل از ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر بستر نهاده‌های محیط طبیعی دانست که سامان اجتماعی و فضایی آن در یک ارتباط توپولوژیک و در هم تنیده تحت تأثیر، نظارت، هدایت یا کنترل فرایندهای نهادی و سیاسی ایجاد و تحول می‌یابد (کمانرودی - کجوری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲). بر این مبنای می‌توان گفت، شهرها این پدیده‌های فضایی - جغرافیایی دارای پیچیدگی - های زیادی هستند و تلاش‌های صورت گرفته برای ایجاد درک و شناخت لازم از آنها، نیازمند مطالعات و بررسی‌های گسترده‌ای بر مبنای حوزه‌های مختلف است. یکی از حوزه‌های مطالعاتی نوظهور که تلاش دارد در کنار سایر حوزه‌های مطالعاتی زمینه شناخت و درک لازم از شهرها را فراهم آورد، ژئوپلیتیک شهری است. این شناخت بر پایه ژئوپلیتیک - شهری مبتنی بر ماهیت آن یعنی منابع جغرافیایی قدرت (مولفه‌های ژئوپلیتیک) آغاز می‌گردد. بر این اساس، مقاله حاضر در پی آن است که به صورت کلی منابع جغرافیایی قدرت یا مولفه‌های ژئوپلیتیک در فضای شهرها و حوزه نفوذ آنها که بصورت‌های مختلف زمینه‌ساز شکل‌دهی به ژئوپلیتیک شهری هستند را شناخته و تبیین نماید. تا از این طریق بتوان آن گونه که بایسته و شایسته است این افزایش جایگاه و نقش آفرینی شهرها که با تغییرات صورت گرفته پیرامون قدرت و سطوح قدرت مطرح شده است و زمینه ساز نقش آفرینی بازیگران فراملی در بازی‌های ملی و فراملی را فراهم آورده است را تشریح و مورد بازشناسی قرار دهد.

## مباحث نظری

## ۱- ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک از جمله مفاهیم بحث برانگیز و پر ابهام است و تعاریف متفاوت و گسترده‌ای از آن صورت گرفته است اما به صورت کلی می‌توان به چند تعریف از آن اشاره کرد. ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی اثر محیط و اشکال یا پدیده های محیطی چون، موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی، هوایی و فضایی)، وسایل ارتباط جمعی و ... را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، بویژه در سطوح گسترده منطقه ای و جهانی مطالعه می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۸). ژئوپلیتیک علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷). به بیانی دیگر میتوان گفت ژئوپلیتیک دانش شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است (جان‌پرور، ۱۳۹۶: ۲۸).

## ۲- ژئوپلیتیک شهری

استفان گراهام در کتاب خود، ژئوپلیتیک شهری را مصادف با وقایعی که در شهرها از جمله «جنگ و تروریسم» شکل

گرفته بود می‌دانست و در تعاریف خود مداماً از خشونت، جنگ و تروریسم شهری به سوی یک ژئوپولیتیک شهری سخن به میان آورد (Graham, 2004: 1). به بیانی دیگر، ژئوپولیتیک شهر پدیده‌های سیاسی - فضایی شهر را از آن نظر که بر جریان قدرت سیاسی اثر می‌گذارد مورد مطالعه قرار می‌دهد و در این مسیر نقش فرایندهای سیاسی و تصمیم‌های بهره‌مندان اداره امور شهر، هدایت کنترل و شکل‌دهی فضا، اثرپذیری و اثرگذاری‌های قدرت سیاسی را از تعاملات، ارتباطات و کارکردهای فراشهری را مورد توجه قرار می‌دهد (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳: ۲۹۶). اما در بیانی دیگر می‌توان ژئوپولیتیک شهری را دانش شناخت، کسب، بهره‌برداری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت موجود در شهرها و حوزه نفوذ آنها در مناسبات محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی تعریف کرد. به بیانی دیگر، استفاده و بهره‌برداری از منابع جغرافیایی قدرت موجود در شهرها و حوزه نفوذ آنها جهت دستیابی به اهداف در مناسبات محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی را ژئوپولیتیک شهری می‌گویند (جان‌پرور، ۱۳۹۶: ۸۰).

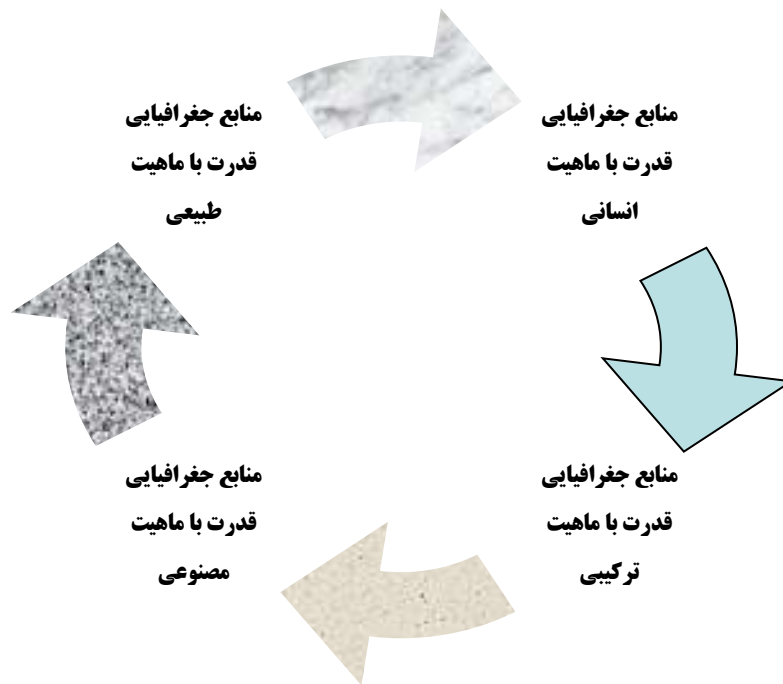
روش تحقیق: روش اصلی پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت نظری، توصیفی و تحلیلی است. بر این اساس در این تحقیق سعی شده است علاوه بر شناخت مولفه‌های ژئوپولیتیک شهری به تصویرسازی درست و تا حدی شفاف آن بپردازد. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر برای گردآوری و فیش برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای، اینترنتی استفاده شده است.

#### یافته‌ها

برای اینکه بتوان منابع جغرافیایی قدرت را شناخت باید چند گام به عقب برداشت و متناسب با فلسفه علم جغرافیا مباحث را مطرح کرد تا از این طریق آن گونه که بایسته و شایسته است منابع جغرافیایی قدرت را شناخت. فلسفه و ماهیت شکل‌گیری جغرافیا بر دو پایه انسان و طبیعت قرار دارد که برآیند حاصل از تعامل یا کنش و واکنش این دو به صورت‌های مختلف موضوع مطالعات جغرافیا را تشکیل می‌دهند. این شناخت پایه‌ای زمینه ساز درک نسبتاً جامع از منابع جغرافیایی قدرت را فراهم می‌آورد. مبتنی بر این رویکرد به منابع جغرافیایی قدرت می‌توان آنها را در قالب چهار بخش به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

- منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت طبیعی: این نوع منابع جغرافیایی قدرت حاصل برآیند کنش و واکنش طبیعت و انسان است و در آن طبیعت پررنگ‌تر و با اهمیت‌تر از پایه دوم یعنی انسان‌ها عمل می‌کند.
- منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت انسانی: این نوع منابع جغرافیایی قدرت حاصل برآیند کنش و واکنش طبیعت و انسان است و در آن انسان پررنگ‌تر و با اهمیت‌تر از پایه اول یعنی طبیعت عمل می‌کند.
- منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت ترکیبی: این نوع منابع جغرافیایی قدرت حاصل برآیند کنش و واکنش طبیعت و انسان است و در آن هیچ یک از پایه‌ها پررنگ‌تر و با اهمیت‌تر از دیگری عمل نمی‌کند و یا اینکه برآیند حاصل در قالب هر دو پایه به صورت مشترک قابلیت شکل‌گیری دارا می‌باشد.
- منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت مصنوعی: این نوع منابع جغرافیایی قدرت حاصل برآیند کنش و واکنش طبیعت و انسان نیستند، بلکه با توجه به اهمیت یابی و زاویه دیدی که محقق دارد و اثرگذاری گسترده‌ای که بر فضاهای جغرافیایی و مناسبات بین بازیگران ژئوپولیتیک دارا هستند در قالب منابع جغرافیایی قدرت در نظر گرفته شده و به صورت‌های مختلف مورد بحث در دانش ژئوپولیتیک قرار می‌گیرند (جان‌پرور، ۱۳۹۶: ۱۳۸-۱۳۶).

در ژئوپلیتیک شهری با هر رویکرد (مکانی، گفتمانی، کارکرد و بازیگران)، تقسیم بندی منابع جغرافیایی قدرت موجود در شهرها و حوزه نفوذ آنها نیز از این قاعده مستثنی نیست و می‌توان این منابع را در قالب بخش بندی فوق در نظر گرفت. بر این مبنا در ادامه در قالب تقسیم بندی فوق برخی از مهمترین منابع جغرافیایی قدرت موجود در شهرها و حوزه نفوذ آنها آورده خواهد شد. در آخر باید گفت، اگر چه در این بخش به تفکیک منابع جغرافیایی قدرت بیان شده است اما باید توجه کرد که این منابع در بخش های مختلف با یکدیگر در ارتباط و پیوند گسترده هستند.



شکل ۱: پیوند بین منابع جغرافیایی قدرت  
منبع: یافته‌های پژوهش

### الف) منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت طبیعی

#### - موقعیت ریاضی شهر

در تعیین موقعیت جغرافیایی، در صورت استفاده از داده‌های عددی مانند طول (مدار) و عرض (نصف‌النهار)، موقعیت ریاضی مطرح است (Özey, 2004: 34-5). این نوع موقعیت در ارتباط با تغییرات شبانه روز و تعیین ساعات و نیز تغییرات فصول، تابش انرژی خورشیدی، نوع اقلیم و آب و هوا و همچنین اثرات آن بر روی ساختارهای تمدنی و معیشتی و الگوهای زیست و زندگی بشر معنی دار می‌باشد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۶۱). بر این مبنا می‌توان آن را به عنوان یک عامل موثر بر قدرت مکانها در نظر گرفت. بنابراین شهرها جزیره‌ای درون کشورها می‌باشد که خود دارای موقعیت ریاضی خاص می‌باشد. موقعیت ریاضی می‌تواند زمینه پیشرفت یک شهر را فراهم سازد. زیرا اگر یک شهر در موقعیت ریاضی خوبی از کشور قرار گیرد که آن منطقه دارای آب و هوای معتدل و زمین‌های حاصل خیز باشد و اینکه در نقطه‌ای از کشور قرار گیرد که ارتباط آن با سایر شهرهای داخلی و شهرهای خارج از کشور باشد نشان از قرارگیری آن در موقعیت ریاضی مناسب می‌باشد. از این رو، شهرهایی که دارای موقعیت ریاضی مناسب هستند به طور طبیعی

از سایر شهرها که در موقعیت‌های ریاضی دیگر قرار گرفته‌اند، دارای قدرت و پتانسیل بیشتری جهت پیشرفت می‌باشند و همچنین این شهرها در رقابت با سایر شهرها دارای برتری مضاعف‌تری می‌باشند.

#### - موقعیت دریایی

از قدیمی‌ترین دوران تا امروز، دسترسی به دریا یکی از عوامل مهم برای توسعه طلبی کشورها بوده است. حتی تصور می‌شود در اختیار داشتن آب‌های آزاد، شرط ضروری برای رسیدن به یک قدرت جهانی است (عزتی، ۱۳۸۰: ۷۸). از اینرو موقعیت دریایی تا حد قابل توجهی در بازیگری و قدرت یابی بازیگران و مکان‌ها تأثیر مستقیمی دارد و زمینه ایجاد برتری آن را می‌تواند فراهم آورد. در این میان شهرها نیز از این قاعده مستثنی نیستند زیرا قرار گیری شهرها در موقعیت دریایی در مهمترین بعد منجر به آن می‌شود که شهرها پیوند ارتباطی گسترده‌ای با فضاهاى بین المللی داشته باشند و در شبکه جریان‌های بین المللی یا فضای جریان‌ها بتوانند نقش آفرینی گسترده‌ای داشته باشند. همچنین، این موقعیت دریایی برای شهرها زمینه ساز شکل‌دهی به اقلیم نسبتاً معتدل، پوشش گیاهی و زمین‌های حاصل خیز برخوردار شود و بُعد بسیار مهمی دیگری که موقعیت دریایی به شهرها می‌دهد آن است که کارکردهای متنوع‌تری از سایر شهرها به آن شهر می‌بخشد از جمله آن می‌توان به (توریسم و گردشگری، ماهیگیری، تجارت و ترانزیت کالا) اشاره نمود.

#### - منابع معدنی

منابع معدنی نیز در امر صنعت و تولید مایحتاج زندگی بشر و نیز صادرات کشورها کاربری دارد. به ویژه منابع کانی فلزی و استراتژیک نظیر مس، آهن، منگنز، اورانیوم، طلا و... که هم در صنعت و هم در امور نظامی و دفاعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. کشورهای دارنده آن اگر پیشرفته باشند از آن برای توسعه صنعتی و تولید کالا و ایجاد ارزش افزوده استفاده می‌کنند و کشورهایی که توسعه نیافته‌اند نیز از آن برای صادرات کالا و تأمین نیازهای ارزی خود در رابطه با واردات استفاده می‌نمایند. در هر صورت این منابع در حکم ثروت‌های یک کشورند که مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از عوامل مهم که باعث قدرتمند شدن شوروی و آمریکا در گذشته و نیز چین و برزیل در آینده می‌شود همین منابع طبیعی بوده که حداقل در زمینه سازی قدرتمندی آن موثر بوده و می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۸۲). همانطور که از مطالب بالا استنباط می‌شود می‌توان به این منبع به عنوان یکی از منابع طبیعی قدرت موجود در شهرها اشاره نمود. زیرا هر کشوری در سطوح خردتر دارای استان یا همان شهرهایی می‌باشد که این منابع در دل آن استان و یا شهرها قرار دارد. زمانی که این منابع در آن شهرها وجود دارد و کشف و استخراج می‌شود در قدم اول در شهرهای مدرن و صنعتی همان شهر به توسعه می‌رسد و در قدم‌های بعدی به سایر مناطق کشور اشاعه پیدا می‌کند و این منبع قدرتی را در اختیار شهر می‌گذارد که در رقابت با سایر شهرها به برتری دست می‌یابد. اما وجود این منبع در کشورهای در حال توسعه بالعکس می‌باشد به طوری که این منبع را در شهرهای مورد نظر کشف و شناسایی شده و سپس آن را استخراج می‌نمایند و دیگر در آن شهر فرآیندی جهت تبدیل آن به ماده دیگری صورت نمی‌گیرد و از همان جا به سایر کشورها صادر می‌شود و پس از اتمام این منبع، آن شهر از لحاظ مورفولوژیک شهری، دچار چشم اندازی زشت می‌شود که دید ساکنین شهر را نسبت به آن شهر تغییر داده و زمینه مهاجرت شهروندان را از آن شهر فراهم می‌آورد.

پس وجود یک منبع جغرافیایی قدرت در یک شهر بسته به توسعه یافتگی آن کشور و همچنین نوع استفاده‌ای که قرار است از آن منبع شود بستگی دارد.

#### - منابع انرژی

منابع انرژی شامل نفت، گاز، ذغال سنگ و غیره است که در امور مختلف یک کشور کاربری دارد. کاربری‌های عمده این مواد عبارت است از حمل و نقل، گرمایش و سرمایش، سکونتگاه، صنعت و کشاورزی، تغذیه و طبخ غذا، پتروشیمی و غیر آن (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۲۸۱). بنابراین در بعضی از شهرها این منابع کشف و شناسایی و سپس استخراج و مورد استفاده در صنعت قرار می‌گیرند. وجود این منابع در شهرها علاوه بر آن که می‌تواند نیازهای خود را برطرف سازد، نیازهای موجود در سطوح ملی و حتی بین‌المللی را هم می‌تواند برطرف سازد. همین امر زمینه آن را فراهم می‌آورد تا این شهرها به عنوان شهرهای سرشار از منابع انرژی و شهرهای طلایی در جهان نام گیرند و شهره جهانی شوند. از این رو وجود منابع انرژی به خودی خود می‌تواند زمینه توسعه و به قدرت رسیدن شهر را در مقابل سایر شهرها فراهم سازد. از این رو منابع انرژی می‌تواند یک عامل طبیعی مهم، نقش مهمی را در به قدرت رسیدن شهرها جهت رقابت با سایر شهرها داشته باشد. اما در برخی کشورها، شهرهایی که از این منبع قدرت طبیعی برخوردار هستند به دلیل دخالت دولت در کشف و استخراج و فروش آن هیچ سهم قدرتی از آن این شهرها نمی‌شود بلکه این شهرها در آینده‌ای نزدیک به دلیل به اتمام رسیدن منابع انرژی‌شان به شهرهای فقیر تبدیل شده و شهروندان آن به دلیل بیکاری و توقف توسعه در آن شهر به سایر شهرها مهاجرت می‌کنند. بنابراین، وجود این منبع جغرافیایی قدرت در شهرها هم می‌تواند زمینه توسعه و به قدرت رسیدن شهرها را فراهم سازد.

#### - منابع طبیعی (آب، اقلیم مناسب، مرتع و جنگل، بهره‌وری زمین و غذا)؛

آب: حیات انسانی و امکان زیست‌گروه‌های انسانی در فضاها جغرافیایی و قلمرو دولت‌ها و کشورها، مستلزم وجود زیربنای آب و خاک و آب و هوای مساعد و نظایر آن است. بنابراین آب یکی از معضلات اصلی آینده بشریت است و یکی از منابع اصلی کشمکش را تشکیل خواهد داد. آب در اشکال گوناگون مصرف نظیر آشامیدن، کشاورزی، صنعت، بهداشت و غیره نیاز اساسی انسان را تشکیل خواهد داد. آب در اشکال گوناگون مصرف نظیر آشامیدن، کشاورزی، صنعت، بهداشت و غیره نیاز اساسی انسان را تشکیل می‌دهد. کشورهای دارنده این ذخایر مهم می‌توانند نیاز خود را به خوبی برطرف کنند. ولی کشورهای دچار کمبود منابع آب نظیر خاورمیانه ناگزیرند بخشی از منابع ملی را صرف تأمین آب نمایند و برخی نیز به دلیل آلودگی این منبع دچار مشکل هستند (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۲۸۰). بر این پایه می‌توان گفت که آب به عنوان مهم‌ترین و باارزش‌ترین منبع جغرافیایی در اختیار بشر قرار دارد و حتی اولین سکونتگاه‌ها در کنار رودها دایر گردید و نخستین انسان‌ها از همان دوران به این موضوع پی برده بودند که بدون آب نمی‌توان زندگی نمود و زندگی دچار سختی‌های بسیاری می‌شود. از اینرو با گذر زمان و شکل‌گیری سکونتگاه‌های جدید و تبدیل شهرها به شهرهای مدرن و توسعه یافته و در حال توسعه روز به روز بر میزان شهرنشینی در جهان افزوده می‌شود. تأمین آب مورد نیاز این شهرها امری دشوار می‌باشد و چون در دهه‌های اخیر تغییرات اقلیمی زمینه ساز افزایش خشکسالی‌ها شده است و یا این که به دلیل صنعت ناقص سدسازی و ساخت بی‌رویه سد شهرها شاهد

نابودی ذخایر جاری آب خود به صورت سستی بوده اند به نحوی که بیشتر شهرهای کنونی دچار بحران شدید آب هستند. لذا این منبع جغرافیایی قدرت به آن سطح از ارزش رسیده است که از سطح ملی فراتر رفته و به سطح بین المللی رسیده است و مدیران شهری اکثر کشورهای خاورمیانه و آسیایی بر آن هستند تا با در پی گرفتن دیپلماسی آب در روابط خود با سایر شهرهای داخلی و خارجی این نیاز مهم شهری خود را برطرف نمایند. از این با توجه به نقش بستر ساز و با اهمیت آب برای شهرها به عنوان یک منبع جغرافیایی قدرت مطرح می شود که ارتباط مستقیمی با زندگی روزمره شهرنشینان دارد.

**اقلیم مناسب:** آب و هوای مطلوب و معتدل بر قدرت یک کشور و حتی در سطح خردتر (شهرها) تأثیر مثبت دارد زیرا اول در تولید مواد غذایی اثر دارد، دوم میزان تخریب و آسیب‌رسانی ناشی از هنجارهای اقلیمی به حداقل می‌رسد و منابع ملی تلف نمی‌شود (نظیر سیل و طوفان)، سوم بخشی از منابع ملی صرف فراهم‌سازی شرایط مناسب زیست برای انسان نمی‌گردد (تهویه مطبوع یا گرمایش و سرمایش) و منابع انرژی تلف نمی‌شود. مثلاً شرایط معتدله کشورهای مدیترانه شمالی و اروپای غربی نسبت به شرایط سخت سیبری یا صحرای عربستان یا شبه قاره هند برای توسعه و کسب قدرت بسیار مناسب‌تر است. از این رو تصور این که یک قدرت جهانی از سرزمین‌های یخبندان قطب جنوب و یا بیابان‌های خشک و سوزان صحرا قد علم می‌کند بسیار اندک است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۸۱). از اینرو اقلیم مناسب در شهرها یکی از مهم‌ترین منابع جغرافیایی قدرت در شهرها به شمار می‌رود که درجه توسعه یافتگی و پیشرفت شهرها به میزان زیادی با آن در ارتباط است. اقلیم مناسب در یک شهر شادابی شهروندان را فراهم می‌کند، منجر به حاصلخیزی زمین‌های کشاورزی موجود در شهر، جذب سرمایه‌گذاران و گردشگران و غیره می‌شود.

در کنار این رویکرد نسبت به اهمیت و جایگاه برجسته اقلیم به عنوان یک منبع جغرافیایی قدرت باید توجه داشت رویکرد جدیدی در حال شکل‌گیری و توسعه است که بیان می‌کند، تا چندی پیش گفته می‌شد که هوا و آب به طور فراوان در طبیعت وجود دارد و از نظر اقتصادی ارزش مبادلاتی ندارد. چرا که کالاها وقتی ارزش اقتصادی خواهند داشت که در قلمرو مبادلات و بازرگانی قرار بگیرند. اما امروزه تأمین هوا و حتی آب سالم در شهرهای بزرگ نه تنها یکی از مسایل مهم شهرها است، بلکه تدارک یا سالم سازی آن نیز با هزینه سنگین امکان پذیر است. شهرنشینان برای زندگی به آب و هوای سالم نیازمندند و این نیاز سرانه رقم قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهد و به موزات پیشرفت‌های تکنیکی این نیاز رو به افزایش می‌رود (خمر، ۱۳۸۵: ۲۷۲). بر این مبنا، وجود خود اقلیم با شرایط مناسب و طبیعی که قابلیت بازیابی و جریان درست را در فضاهای جغرافیایی نظیر شهرها و به ویژه کلان‌شهرها را فراهم آورد از منابع جغرافیایی قدرت برجسته در فضاهای شهر محسوب می‌شود.

#### - سایر منابع جغرافیایی قدرت (طبیعی)

شاید به صورت کلی بتوان از موارد ذیل به عنوان منبع جغرافیای قدرت با ماهیت طبیعی در شهرها نام برد: موقعیت شهر نسبت به گسل‌ها، آب‌های زیر زمینی، چشم‌انداز طبیعی شهر، شرایط توپوگرافی مناسب و غیره.

## ب) منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت انسانی

### - کمیت جمعیت

از دیاد جمعیت و کاهش منابع زیست محیطی، به افزایش مهاجرت از روستا به شهر و رشد سریع شهرنشینی منجر می‌گردد. در پایان قرن حاضر، نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد. از این طریق، فشار بیشتری بر خدمات زیربنایی و منابع کمیاب وارد خواهد شد. بر اساس گزارشات و پیش‌بینی‌های سازمان ملل و بانک جهانی، تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۸۰ درصد جمعیت جهانی در شهرها زندگی خواهند کرد (Myers & Wyatt, 2004: 285). از اینرو دنیای در حال توسعه به دنیای شهری تبدیل خواهد گردید، بدون این که خدمات و امکانات لازم برای شهرنشینان فراهم آید.

بنابراین، با همه پیشرفت‌هایی که در تمامی شهرها پدید آمده است، کمیت جمعیت به عنوان یک عامل تعیین کننده قدرت شهری می‌باشد. از این رو جمعیت زیاد در یک شهر پیش شرط قدرت شهر محسوب می‌گردد ولی عامل تعیین کننده و قطعی نیست. اما به طور حتم می‌توان گفت که در شهرهای توسعه یافته کمیت جمعیت عامل اصلی توسعه می‌باشد زیرا در این شهرها تمامی جمعیت ساکن دارای تخصص‌های گوناگونی هستند که شهر را محل زیست خود می‌دانند و در آبادانی و توسعه آن تلاش می‌کنند اما در شهرهای توسعه نیافته این جمعیت عامل عکس را دارد. اما مهم‌ترین مسأله کمیت جمعیت در شهرها آن است که اگر شهری جزو شهرهای پرجمعیت جهان نباشد و تبدیل به یک مگالاپلیس نشده باشد نمی‌تواند در عصر جهانی شدن به یک قدرت درجه یک در سطوح نظام شهری تبدیل شود و این مقام را حفظ کند. بنابراین بدون وجود جمعیت عظیم، تداوم فعالیت کارخانه‌های صنعتی لازم برای هدایت موفقیت آمیز امری محال و غیر ممکن است. بر این اساس کم و زیاد بودن جمعیت کاملاً در سیاست‌های شهری تأثیر گذار است. خلاصه آن که جمعیت شهر، اعتماد به نفس در داخل و ترس در خارج را به همراه دارد و زمینه ساز قدرت شهر است.

### - کیفیت جمعیت

کیفیت جمعیت یکی از منابع جغرافیایی قدرت به شمار می‌رود که در اهمیت و جایگاه یافتن شهرها نقش بسیار موثری دارد. کیفیت جمعیت به خودی خود در درون خود «استعدادهای علمی و نیروی انسانی با سواد» را داراست. اما در عصر حاضر شهرها تبدیل به مکان‌هایی گشته اند که بیشترین جمعیت را در درون خود جای داده است. از این رو برای پیشرفت و توسعه شهر و تبدیل جایگاه شهر از سطوح پایین و رسیدن به سطوح بالاتر یعنی شهرهای جهانی «کیفیت جمعیت» عامل مهمی می‌باشد. زیرا این انسان‌ها هستند که محیط را می‌سازند و در آن زندگی می‌کنند. هر چقدر که در یک شهر شهروندان از فرهنگ و آموزش بالاتری برخوردار باشند عموماً کیفیت جمعیت به عامل مهمی در قدرت شهری تبدیل می‌شود زیرا در این شهرها شهروندان به حد مورد نیاز توانمند شده‌اند و در رشد و پیشرفت شهر و سایر بازیگری‌ها تأثیر گذار هستند. از این رو در عصر حاضر جهانی شدن علاوه بر تقویت شدید رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌هایی برای فرایندهای توسعه‌ی منطقه‌ای و شهری، زمینه برای ظهور جامعه شهری پویا و فعال که طالب مجموعه‌ای متنوع از حقوق انسانی، اجتماعی و سیاسی است مهیا نموده است.



### - ساختار جمعیت

ساختار جمعیت ارتباط مستقیمی با قدرت شهری دارد. هر چقدر که یک شهر دارای نیروی جوان و فعال در رده سنی ۱۸ الی ۴۵ سال باشد آن شهر در سطوح سلسله مراتب شهری از قدرت بالاتری برخوردار است. از این رو امروزه ما در عصری از زمان حضور داریم که اکثر جمعیت آن شهرنشین است و برای یک شهر در رقابت با سایر شهرها بسیار مهم است که از نیروی کار جوان برخوردار باشد. شهرهای دنیا به ویژه در اروپا به دلیل کم بود زاد و ولد و کنترل جمعیت با کمبود جمعیت فعال و جوان روبه رو هستند و دارای ساختار جمعیت کهنسال هستند که آینده این شهرها را به شدت به خطر انداخته است. زیرا شهر جهت تامین نیروی انسانی خود در بخش صنعت، خدمات و کشاورزی نیاز به نیروی فعال و جوان دارد که نبود آن آینده آن شهر را با چالش و بحران مواجه می‌کند و اما جهت مقابله با بحران اقدام به مهاجرپذیری و تشویق جمعیت جوان با سیاست‌هایی خاصی به آن شهر را می‌نماید. اما به طور کلی در شهرهای امروزه ساختار جمعیت به عنوان یک عامل مهم قدرت شهری مطرح می‌باشد.

### - مرکزیت ایدئولوژیک

شهر همچون موجودی زنده پیوسته دستخوش دگرگونی است. این دگرگونی در گذر زمان، شکل شهرها را به سوی هدف‌های ویژه‌ای سوق می‌دهد. برخی از شهرها امروزه از شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام‌های حاکم بر خود اثر می‌پذیرند که نه تنها در کالبد و فیزیک، بلکه در هر زمینه نشان از چیرگی ایده‌ها و اندیشه‌های فرمانروایان و گردانندگان شهرها دارند. فضای شهری را در واقع می‌توان تولید اجتماعی - اقتصادی دانست که بازتابی از کارکردهای سیاسی و اقتصادی است. عدالت اجتماعی ایده مشترک بسیاری از اندیشمندان و رهبران سیاسی کشورها بوده است که بر اساس آن بسیاری از شهرها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف ایجاد شده‌اند. تعبیرهای متفاوت از این ایده مشترک اساس تفاوت در سازمان فضایی شهرها در مناطق مختلف است. به گونه‌ای که شهرهایی که در سایه اندیشه‌های ایرانی - اسلامی پدید می‌آیند و رشد می‌کنند، بسیار متفاوت از شهرها در نظام سوسیالیستی هستند و دو فضای جغرافیایی و دو جهان متفاوت برای ساکنان خود پدید می‌آورند (سجادی، ۱۳۹۳: ۳۷). به عنوان مثال نقش شهر قم در ایران به عنوان مرجع تولید کننده دانش دینی که از گذشته‌ها صبغه‌ای مذهبی داشته است این شهر را به مرکزیت ایدئولوژیک تبدیل کرده است. از این رو در این سال‌ها، عاملی که بر اهمیت دینی و سیاسی این شهر افزود؛ تأسیس حوزه علمیه قم و تبدیل شدن این شهر به دومین مرکز علمی جهان تشیع بود (زنگنه و حمیدی، ۱۳۹۵: ۷۷). بنابراین داشتن مرکزیت ایدئولوژیک برای یک شهر به عنوان یک منبع جغرافیایی بسیار مهم با ماهیت انسانی به شمار می‌رود.

### - مرکزیت دینی و مذهبی

پیدایش شهر یکی از بزرگ‌ترین تحولات فرهنگ بشری و نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی بوده است که موجب دگرگونی در روابط متقابل انسان با هم‌نوعان خود شده است. در خصوص علل شکل‌گیری اجتماعات مدنی نظریات متعددی بیان شده است که شهر را از جوانب مختلف نقد و بررسی کرده‌اند. مهم‌ترین این دیدگاه‌ها، دیدگاه قرآن کریم درباره شهر است که نقش غیرقابل انکار مذهب در روند توسعه شهری را ملموس‌تر نشان می‌دهد. از اینرو در دوره‌های مختلف بشری، عوامل متعددی در شکل‌گیری یا آبادی شهرها موثر بوده‌اند. از جمله می‌توان به کوه‌ها، رودها، بناها،

راه‌ها، مذهب، آداب و رسوم اشاره کرد. دین به عنوان عنصری فرهنگی، منشأ ایجاد تغییر و تفاوت در سرزمین‌های مختلف است. دستورات دین اسلام به گونه‌ای است که در محیط شهری امکان تحقق بیشتری داشته و حکومت‌های اسلامی تاسیس یا توسعه شهر را برای قدرت‌نمایی، رسیدن به اهداف آرمانی، اجتماعی و سیاسی در برنامه خود داشته‌اند. در این دوره اولین نمونه تاثیر یک بنا به عنوان عامل دینی و مذهبی در آبادی شهر، به نام مسجد پیامبر (ص) در شهر مدینه است. بناهای مذهبی نقش موثری در شکل‌گیری یا توسعه بسیاری از شهرها به خصوص در ایران و سایر مناطق تحت نفوذ اسلام داشته و در جنبه‌های گوناگون تاریخی، هنری، مذهبی و اجتماعی در معماری نقش اساسی داشته‌اند که تمرکز و توجه بر این بناها می‌تواند باعث ایجاد یا گسترش شهر در این محدوده‌ها یا تبدیل آن به قطب گردشگری شده (نثاری و همکاران، ۲۹:۱۳۹۵) و زمینه قدرت‌یابی و مطرح شدن شهر را در جهان به عنوان یک شهر دینی مذهبی فراهم آورد. برای نمونه می‌توان به شهر مکه، مدینه، مشهد، قم، کربلا و نجف اشاره نمود.

#### - ماهیت تاریخی

در قرن حاضر که عصر شهرها می‌باشد، شهرها دچار بحران هویتی شده‌اند. اما در سطح دنیا شهرهایی وجود دارند که از قدمت و گذشته بسیار دوری برخوردار هستند. این شهرها در سطح جهانی بسیار مهم و قابل توجه هستند و به عنوان یکی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین جنبه‌های جذب گردشگر و همچنین هویت‌دهی به فضاهای ملی به حساب می‌آیند. باید همواره در نظر داشت که آثار تاریخی یکی از اصلی‌ترین جاذبه‌های مورد توجه گردشگران است و زمانی که سراسر یک شهر اثری تاریخی به شمار رود و بافت تاریخی آن نیز حفظ شده باشد، قابلیت تبدیل شدن به یک قطب گردشگری را دارد. بنابراین باید مد نظر داشت که به تنهایی قدمت شهرها مد نظر قرار نگرفته بلکه در کنار این موضوع، حفظ ماهیت تاریخی و بافت اصلی شهر از اهمیت بالایی برخوردار است. شهر تاریخی بنا به تعریف، شهری است که اقتصادش عمدتاً متکی بر گردشگری است و شهرتش به سبب مشخصه‌های تاریخی آن است. منافع اقتصادی شهر تاریخی از میراثش و محتوای بی‌نظیر و سیمای سنتی و کهن آن تامین می‌شود. بنابراین از مفهوم شهر تاریخی میراثی، گذشته به دلیل «زیبایی» و «بی‌نظیری» فرم کالبد و کارکرد بناها، محلات و شهر و حفاظت فعال آنها مطرح می‌شود. یعنی در واقع نگرش «درون‌زا و پایدار» به جای «نگرش برون‌زا» و «مقطعی» برای حفظ و حراست شهر اهمیت می‌یابد. بنابراین داشتن ماهیت تاریخی در یک شهر همانند «شیراز در ایران، آتن در یونان، ممفیس در مصر» خود نقطه قدرت و پتانسیلی برای یک شهر می‌باشد که در رقابت با سایر شهرها بتواند به برتری دست یابد. زیرا شهری‌هایی که دارای ماهیت تاریخی هستند دارای اصالت، هویت و تمدن می‌باشند که به کالبد شهر روح و جان بخشیده‌اند و شهر را به یک مکان مهم حتی در سطوح جهانی در عصر حاضر تبدیل نموده است.

#### - سایر منابع جغرافیایی قدرت (انسانی)

شاید به صورت کلی بتوان از موارد ذیل به عنوان منبع جغرافیای قدرت در شهرها نام برد: ساختار سیاسی یا نظام حکومتی، دولت و حکومت محلی، احزاب سیاسی موجود در شهر، مشارکت سیاسی شهروندان، میزان آشنایی شهروندان با حقوق خود و غیره.

### ج) منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت ترکیبی

#### - موقعیت نسبی شهر

شهرها بر اثر گذر زمان تکامل یافته‌اند و به شهرهای کنونی تبدیل شده‌اند. اما یکی از عوامل مهمی که در تکامل یابی شهرها تأثیرگذار است، موقعیت نسبی شهر می‌باشد. زیرا اگر یک شهر از موقعیت نسبی خوبی برخوردار باشد، زمینه پیشرفت و توسعه و دسترسی به خدمات در آن شهر بیشتر از سایر شهرها در مناطق دیگر است. بنابراین داشتن موقعیت نسبی برای یک شهر از جمله منابع قدرت با ماهیت ترکیبی می‌باشد که در قدرت‌یابی یک شهر نقش بسیار مهمی را دارد. منظور از موقعیت نسبی در یک شهر «دسترسی به شهرهای بزرگتر، دسترسی به آب‌های آزاد، دسترسی به بازارهای اقتصادی و مجتمع‌های صنعتی و غیره» که هر کدام از این عوامل نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری و قدرت‌یابی شهر دارند اما میزان ارزش و تأثیرگذاریشان متفاوت است. از این‌رو، شهرها همواره تلاش می‌کنند تا با ساختن موقعیت مطلوب برای خود همواره زمینه قدرت‌یابی خود را فراهم کنند و بعضی از شهرها به دنبال آن هستند تا در تقسیمات سیاسی از یک شهر جدا شده و مستقل شوند تا موقعیت نسبی خود را ارتقاء دهند و یا این که با یک شهر بزرگتر اقدام شده و از منابع موجود در آن شهر استفاده کنند. بر این مبنا، می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین عواملی که در تکامل و قدرت‌یابی شهر اثر دارد، موقعیت شهر نسبت به آبهای آزاد، مراکز قدرت، مراکز ثروت و غیره می‌باشد.

#### - موقعیت مرکزی و کانونی

درباره موقعیت مرکزی و کانونی شهرها می‌توان در دو سطح آن را بررسی نمود. یک سطح ملی و دیگر سطح فراملی و نقش‌آفرینی شهرها به عنوان یک موقعیت کانونی و مرکزی در مقابل سایر شهرها. در سطوح ملی اگر شهری از موقعیت مرکزی و کانونی برخوردار باشد به طور بالقوه بیشتر ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها، امکانات و خدمات سرازیر آن شهر شده و آن شهر از قدرت فراوانی برخوردار می‌شود به طوری که با قدرتی که در اختیار دارد به عنوان یک کانون تمام منابع و سرمایه را از سرتاسر نقاط یک کشور جمع‌آوری کرده و به سمت خود روانه می‌کند. همچنین از طرف دیگر این شهرها به دلیل داشتن موقعیت مرکزی و کانونی تمامی سازمان‌های مهم، ادارات و سرمایه و منابع سرشار و غنی را در خود جای داده‌اند و هیچ شهری توان رقابت با این شهرها را ندارد زیرا در سطوح سلسله مراتب شهری در بالاترین نقطه قرار دارد که اصلی‌ترین نقش این شهرها در سطوح ملی عامل پیوند دهنده شبکه سرمایه شهری در سطوح ملی بین شهرها می‌باشد. همین امر منجر به قدرت‌یابی این شهرها شده است که این عامل زمینه آن را به وجود آورده تا این شهرها بتوانند با نقش‌آفرینی در سطوح ملی به نقش‌آفرینی در سطوح فراملی هم پردازند و موقعیت کانونی خود را در تمام سطوح حفظ کنند. با وجود اهمیت تاریخی شهرها در جوامع ملی، برخی از شهرها که پیوند بیشتری با جهانی شدن دارند، به مرکزیت در سطح جهانی دست یافته‌اند. از نظر ساسن، آن‌ها فراتر از نقش تاریخی به عنوان مراکز تجارت و بانکداری بین‌المللی، اکنون به چهار روش جدید نیز مرکزیت یافته‌اند. اول، به عنوان فرماندهی بسیار متمرکز در سازمان اقتصاد جهانی؛ دوم، به عنوان مکان‌های استقرار شرکت‌های مالی و خدمات تخصصی و جایگزین صنایع کارخانه‌ای به عنوان بخش صنعتی هدایت‌کننده؛ سوم، به عنوان مکان‌های تولید نوآوری

ها در زمینه صنایع جدید و چهارم به عنوان بازارهایی برای عرضه تولیدات و نوآوری‌ها می‌باشند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰:۳۴). بنابراین شهرهایی که در سطوح ملی دارای موقعیت کانونی و مرکزی هستند از قدرت کمتری نسبت به شهرهایی که هم در سطح ملی و هم در سطح فراملی دارای موقعیت کانونی و مرکزی هستند برخوردار می‌باشند. از اینرو موقعیت کانونی و مرکزی یکی از منابع جغرافیایی قدرت به شمار می‌رود.

#### - موقعیت نظامی

هر گونه اقدام برای دفاع و حمله نظامی نیازمند مکانیابی درست می‌باشد، مکانیابی، انتخاب بهترین و مطلوب ترین نقطه و محل استقرار است به طوری که پنهان و مخفی کردن نیروی انسانی، وسایل و تجهیزات و فعالیت‌ها را به بهترین وجه امکان‌پذیر سازد (موحدی‌نیا، ۱۳۸۶: ۷۵). مکانیابی درست و اصولی مراکز نظامی یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که موجب کاهش قابل توجه هزینه‌ای بعدی مرتبط با فعالیت‌ها و پیشامدهای مربوط به این مراکز خواهد بود و با افزایش قابلیت پدافند غیر عامل این مراکز، ضریب امنیتی آنها را افزایش و احتمال حملات دشمنان و اثرات تخریبی حملات احتمالی را کاهش خواهد داد (نصیری، ۱۳۸۸: ۲). از این‌رو داشتن موقعیت نظامی خوب در یک شهر می‌تواند زمینه توجه و افزایش جایگاه شهر را فراهم آورده و حرکت به سوی پیشرفت و توسعه شهر را به صورت مداوم و پایدار فراهم آورد. بنابراین داشتن موقعیت نظامی خوب در یک شهر امنیت را به آن شهر داده و امنیت منجر به توسعه و پیشرفت یک شهر می‌شود و این شهرها چون دارای موقعیت نظامی خوب می‌باشد تا حد امکان از هر آفندی در امان هستند که خود همین امنیت زمینه قدرت یابی و نقش آفرینی این شهرها را در بازیگری در سطوح ملی و فراملی را فراهم می‌آورد.

#### - مرکزیت سیاسی

در قرن حاضر به دلیل اهمیت یافتن جایگاه شهرها در سلسله مراتب سطوح بازیگری و قدرت شهرها کارکردهای متنوعی به خود گرفته‌اند که داشتن مرکزیت سیاسی در یک شهر از جمله آن می‌باشد که یکی از منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت ترکیبی به حساب می‌آید. از این رو به طور کلی می‌توان گفت شهرهایی که عموماً دارای مرکزیت سیاسی هستند جزو شهرهای پایتختی به حساب می‌آیند که تمامی سازمان‌های محلی و حکومتی در آن جا مستقر است و فرآیند سیاست و خط مشی از آن جا به سایر نقاط تسری پیدا می‌کند. بنابراین داشتن مرکزیت سیاسی در یک شهر پتانسیلی است که آن شهر را در رقابت‌های شهری از سایر شهرها متمایز می‌نماید زیرا که هیچ شهری قدرت و توان رقابت با آن شهر را (در بیشتر موارد) ندارد. از این رو شهرها با در اختیار داشتن مرکزیت سیاسی در دو سطح ملی و فراملی به ایفای نقش می‌پردازند و با ورود خود به عنوان یک شهر جهانی سعی در تغییر سیاست‌های بین‌المللی شهرها دارند. شهرها به خصوص شهرهای جهانی عموماً دارای ساختار سیاسی بسیار قوی می‌باشند.

بنابراین از مشخصه‌های مرکزیت سیاسی شهرهای جهانی به بررسی مشغولیت سیاسی، تبادل نظر و خط مشی سیاست‌گذاری، برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی و ارتباطات سیاسی را در مقایسه با دیگر شهرها می‌پردازد. شهر جهانی، مرکز استقرار نهادهای قدرت در سطح ملی و بین‌المللی است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷). از این‌رو شهرهای جهانی با در اختیار داشتن مرکزیت سیاسی در رخدادها و فعالیت‌های جهانی اثر گذار بوده و در آن‌ها مشارکت می‌

نمایند، به طور نمونه شهرهای واشتگتن، لندن، توکیو، نیویورک، برلین، رم، مسکو، مکزیکوسیتی، دهلی پایتخت های اصلی اتحادیه ها و ملل تأثیرگذار در جهان می باشند. مراکز سازمان های بین المللی (به طور مثال بانک جهانی، مراکز ناتو) در این شهرها می باشند (زرقانی و اسکندران، ۱۳۹۱: ۷۵۲) که این شهرها را در سطوح بین المللی تبدیل به مرکزیت سیاسی نموده است. بنابراین، به هر میزان یک شهر بتواند در این عرصه گوی سبقت را از سایر شهرها در سطح ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی به ربايد قاعدتاً از قدرت بیشتری برخوردار خواهد شد و نقش آفرینی و بازیگری خود را تا حد قابل توجهی می‌تواند در سطوح مختلف افزایش دهد. بر این مبنا، دارا بودن و دستیابی به مرکزیت سیاسی در سطوح مختلف محلی، ملی و منطقه‌ای و حتی جهانی یکی از منابع برجسته جغرافیایی قدرت محسوب می‌شود.

### - مرکزیت اقتصادی

مرکزیت اقتصادی در قرن حاضر به دلیل اهمیت یافتن مسائل اقتصادی به یکی از عوامل مهم در تبدیل شهر به بازیگران عرصه بین المللی می‌باشد. از این رو به طور کلی می‌توان گفت شهرهایی که عموماً دارای مرکزیت اقتصادی هستند، جزو شهرهای تجاری با اقتصاد جهانی می باشند و در سطوح بالا سلسله مراتب شهری قرار دارند که دارای قدرت بسیار مضاعفی می باشند. زیرا مرکزیت پیوند دهنده اقتصاد در سطوح ملی و حتی فراملی به حساب می‌آیند. بنابراین داشتن موقعیت و مرکزیت اقتصادی در یک شهر پتانسیلی است که آن شهر را در رقابت‌های شهری از سایر شهرها متمایز می‌نماید. از این رو شهرها با در اختیار داشتن مرکزیت اقتصادی در دو سطح ملی و فراملی به ایفای نقش می‌پردازند و با ورود سرمایه‌گذاری خارجی، جذب گردشگر، بسترسازی رخدادهای بین‌المللی، صدور خدمات و دانش، تبدیل کردن قابلیت‌های شهر به برند شهری این مرکزیت خود را حفظ نموده و سعی در ارتقاء آن به عنوان یک بازیگر در سطح بین المللی را دارند. در بیانی دیگر، شهرها به دلیل دارا بودن واحدهای بین المللی گوناگون همیشه در مرکز اقتصاد جهانی قرار داشته‌اند. از این رو با وجود ترکیبی بودن تأثیرات جهانی شدن بر شهرها، اقتصاد جهانی، بیشترین تأثیرات را بر شهرها داشته است و شهرها را تبدیل به مرکزیت اقتصادی نموده است به گونه‌ای که شهرها را تبدیل به شبکه‌ای از شهرها نموده است. بنابراین، شبکه شهری جهانی، دربرگیرنده مجموعه شهرهایی است که عمدتاً به حمایت از فعالیت‌های اقتصاد جهانی مشغولند. در این شبکه شهری، برخی تولید کننده خدمات پیشرفته هستند و برخی بازارهای مصرف را تشکیل می‌دهند. بعضی نیز مفصل پیوند دهنده اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی یا محل استقرار ادارات مرکزی شرکت‌های فراملی و مراکز مالی و مبادلات سهام و سرمایه هستند. علاوه بر نقش‌های مرتبط با اقتصاد جهانی، نقش‌هایی در زمینه‌های فرهنگی و سیاسی در مقیاس جهانی نیز به توسعه شبکه شهری جهانی کمک می‌کنند. بر اساس نظر ساسن، این نقش‌های متنوع منجر به پراکندگی نقش‌های جهانی در شهرهای متعدد می‌شود که زمینه شکل گیری شبکه‌ای از جریانات مبتنی بر همکاری و وابستگی بین آنها را فراهم می‌کند. از این رو شرکت های فراملی که فعالیت اقتصادی خود را در سراسر جهان پراکنده‌اند و جریانات سرمایه، نیروی کار و اطلاعات را بر می‌انگیزند، مهم‌ترین عوامل تشدید کننده جریانات بین شهری در مقیاس جهانی محسوب می‌شوند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۵). بنابراین، به هر میزان یک شهر بتواند در عرصه اقتصاد و بسترسازی جهت شکل دهی به مرکزیت اقتصادی گوی سبقت را از سایر شهرها در سطح ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی از دیگر شهرها به ربايد قاعدتاً از قدرت

بیشتری برخوردار خواهد شد و نقش آفرینی و بازیگری خود را تا حد قابل توجهی می‌تواند در سطوح مختلف افزایش دهد. بر این مبنای، دارا بودن و دستیابی به مرکزیت اقتصادی یکی از منابع برجسته جغرافیایی قدرت محسوب می‌شود که زمینه‌ساز قدرت‌نمایی و همچنین رشد و توسعه شهرها را فراهم می‌آورد.

#### - مرکزیت ارتباطی

شبکه ارتباطی شهرها نقش شریان‌های حیاتی آن را ایفا می‌کنند و در طرح‌های توسعه شهری یکی از خطوط اصلی و تعیین‌کننده به شمار می‌رود. اهمیت مرکزیت ارتباطی در شهرها به نحوی است که نمی‌توان آنها را منفک از یکدیگر دانست، زیرا کلیه فعالیت‌های ساکنان یک شهر اعم از فعالیت‌های بازرگانی، فرهنگی، اداری، اجتماعی و ... بستگی کامل به شبکه ارتباطی شهر دارد (صدیق میرزایی و سجودی حقیقی، ۱۳۹۲: ۹۳). از اینرو برخی از شهرها وجود دارند که پیوند دهنده شبکه‌های شهری می‌باشند به گونه‌ای که جهت مراجعت به یک شهر باید از آن‌ها گذشت. این مرکزیت ارتباطی به این شهرها چنان قدرتی را اعطا می‌نماید که زمینه توسعه و پیشرفت آن را فراهم می‌آورد. اما امروزه با تحولات گسترده اقتصادی-اجتماعی و تکنولوژیک از جمله در زمینه حمل و نقل و راه‌های ارتباطی، مرکزیت ارتباطی به عنوان یکی از منابع قدرت مطرح می‌باشد. این روابط در شهرها خود را به شکل جریان جمعیت، کالا، عقاید، سرمایه، اطلاعات و نوآوری نشان می‌دهد. در مجموع می‌توان گفت، به هر میزان یک شهر دارای مرکزیت ارتباطی قوی در سطوح مختلف باشد قادر خواهد بود که بازیگری و نقش آفرینی خود را تا حد قابل توجهی در سطوح مختلف افزایش دهد.

#### - مرکزیت تولیدی و صنعتی

از گذشته‌های دور که شهرها شکل گرفتند و سیر تکاملی خود را می‌پیمودند از آن زمان‌ها شهرها مکان‌های مهمی برای تولید کالاها هستند (رنه‌شورت، ۱۳۸۶: ۸۸). پس شهرها در ماهیت ذاتی خود تولیدی بوده‌اند. بنابراین، شهرها یکی از قالب‌های فیزیکی روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه است و تغییراتی که در روند شهرنشینی رخ می‌دهد، تابعی است از تغییراتی که در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه صورت می‌پذیرد. از این رو یکی از تأثیرگذارترین تحولات زندگی شهری در طول اعصار گذشته، وقوع انقلاب صنعتی است. تحولی که علاوه بر تغییر شرایط زیستی و کالبدی زندگی، به همراه خود فرهنگی را در جوامع انسانی وارد نمود که تأثیر آن بسیار عمیق و وسیع بوده است. رشد و گسترش کارخانه‌ها ناشی از انقلاب صنعتی منجر به تغییرات عمیقی در اندازه شهرها و نسبت جمعیت ساکن در آن و آهنگ رشد شهرنشینی شد (رضایی و عباسی، ۱۳۸۷: ۱۶۶). اما در عصر حاضر این چرخه تولید صنعت که مرکزیت آن در شهرهای اروپایی بوده و از آنجا به سایر نقاط تسری پیدا کرده، تغییر جهت داده و روانه سایر شهرهای نیمه توسعه یافته و در حال توسعه نظیر هند، چین، ایران، برزیل و ... شده است. اما پیشرفت امروزه شهرهای اروپایی نتیجه آن صنعتی و تولیدی شدن شهرها بوده است. اما هنوز هم صنعت در آن شهرها موجود می‌باشد ولی صنعتی که در راستای توسعه پایدار شهر گام برمی‌دارد و آسیبی به محیط زیست نمی‌رساند و سعی بر آن دارند تا با استفاده از سوخت‌های مناسب در کارهای تولیدی و صنعتی شهر را دچار چالش و بحران نکنند. بنابراین

می‌توان گفت که وجود صنعت پیشرفته و فعالیت‌های تولیدی در یک شهر منجر به قدرت یابی آن شهر در رقابت‌های تولیدی و اقتصادی در برابر سایر شهرها می‌شود.

#### - سایر منابع جغرافیایی قدرت (ترکیبی)

شاید به صورت کلی بتوان از موارد ذیل به عنوان منبع جغرافیای قدرت در شهرها نام برد: موقعیت استراتژیک، موقعیت ژئوپلیتیک، موقعیت مرزی، زیر ساخت‌ها، راه‌های ارتباطی و غیره.

#### (د) منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت مصنوعی

##### - مرکزیت تفکر و اندیشه

فضاهای جغرافیایی به ویژه شهرها و تغییرات آن به نوعی ساخته و بازنماینده تفکرات و اندیشه‌های اندیشمندان و فلاسفه است. این تفکرات و اندیشه‌ها اگر چه در بیشتر مواقع فارغ از زمان و مکان در نظر گرفته شده و ارائه می‌گردند اما بازخورد اصلی آنها در فضاهایی است که آنها بر بستر آن شکل گرفته و فراگیر شده‌اند. بر این مبنای بیشترین تأثیر و تأثر را نیز بر فضایی که در آن ظهور می‌کنند می‌گذارند و از سوی دیگر گاهواره‌ای جهت پرورش و رشد سایر فضاهای جغرافیایی و شهرها می‌شوند. مبتنی بر این اهمیت و جایگاه تفکر و اندیشه در زمینه اثرگذاری مستقیم بر فضای شکل‌گیری و از سوی دیگر اهمیت یابی آن فضا بعنوان پایه و اساس تغییر و حرکت در سایر فضاها و شهرها، زمینه برای قدرت یابی و نقش‌آفرینی شهری که بتواند کانونیت و مرکزیت تفکر و اندیشه را بر عهده بگیرد می‌توان قائل شد. به هر میزان این مرکزیت تفکر و اندیشه (سیاسی، ایدئولوژیک، اقتصادی و غیره) در شهری نسبت به سایر شهرها بیشتر باشد قاعدتاً اهمیت و جایگاه آن نیز نسبت به سایر شهرها بالاتر خواهد بود و مبتنی بر این جایگاه بازیگری و نقش‌آفرینی شهر و سایر بازیگران حاضر در آن نیز در سطوح مختلف بیشتر خواهد بود.

##### - مرکزیت دانش و مهارت

بر کسی پوشیده نیست که دانش و مهارت به عنوان یکی از منابع قدرت محسوب می‌شوند. باید توجه داشت که، بیشترین فعالیت‌های علمی و تولید دانش و مهارت در بزرگترین دانشگاه‌های دنیا که در کلان شهرهای جهان قرار دارند انجام می‌گیرد و این فعالیت یکی از مهم‌ترین خدمات ارزنده این شهرهای جهانی به جامعه بشری است، که در زمینه‌های مختلف برای حل مشکلات انسان‌های روی زمین بسیار مورد استفاده قرار گرفته است (رحمانی، ۱۳۹۱: ۲۵۰). بنابراین مرکزیت دانش و مهارت در هر شهری در دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و غیره آن نهفته است که آن دانشگاه با تولید دانش و مهارت و انجام دادن طرح‌های توسعه‌ای (بنیادین و کاربردی) می‌تواند زمینه توسعه و پیشرفت شهر را فراهم آورد که این توسعه در راستای قدرت یابی شهر گام بر می‌دارد. بر این اساس تیلور به این مسئله اشاره می‌کند که امروزه شهری را می‌توان جهانی تعریف کرد که به عنوان پایگاه تولید اقتصاد اطلاعاتی در فضای جریان‌ها نقشی را به خود بگیرد. جهان شهرها در این چارچوب نه بر مبنای جمعیت یا درآمد سرانه، بلکه بر اساس جایگاه آن در ساختار شبکه‌ای فضای جریان‌ها قرار دارد. او معتقد است که در عصر اطلاعات که هم‌اکنون در آن به سر می‌بریم، «دانش و مهارت»، بیش از هر زمانی نشان‌دهنده قدرت است که آن نیز در جهان شهرها جای گرفته است. تمرکز دانش به ویژه در خدمات تولیدی پیشرفته همچون، حسابداری، تبلیغات، فعالیت‌های بانکی و

مالی، بیمه، حقوق، مشاوره‌های مدیریتی سبب شده است تا اقتصاد جهانی در عملکرد بسیار توانایی جلوه کند (زرقانی و اسکندران، ۱۳۹۱-۷۵۵-۷۵۴). بنابراین به هر میزان یک شهر دارای دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و غیره برتر و پیشتاز باشد قاعدتاً از اهمیت و قدرت بیشتری نسبت به سایر شهرها برخوردار خواهد بود. بر این مبنا، دارا بود دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی برتر و معتبر در جهان یکی از منابع جغرافیایی قدرت محسوب می‌شود.

#### - مرکزیت اطلاعاتی

با تحولات صورت گرفته در طی ورود عصر اطلاعات، اطلاعات اهمیت برجسته‌ای در جهان اقتصاد و زندگی سیاسی و اجتماعی پیدا کرده است. اکنون در مفاهیم تولید، همکارهای زیاد و فرادولتی توأم با تولید زنجیره‌ای بین‌المللی، به انبوهی از اطلاعات، جهت بقا و بهبود مراحل تولید نیاز دارند در واقع بهبود مراحل اطلاعات را می‌توان مشاهده کرد، نظیر ارتباطات ماهواره‌ای که هم دلیل و هم اثر بین‌المللی کردن اقتصادی، سیاسی و ... می‌باشد. به نحوی که، می‌توان حداقل در یک نگاه شهرهای دنیا را نقاط جمع‌آوری اطلاعات، انتقال و تدبیر تجسم کرد. در این مورد دو سلسله مراتب را می‌توان تشخیص داد: الف) سلسله مراتب سیاسی - پارلمان (مجلس) پایتخت‌ها نه تنها کرسی نمایندگان است بلکه مغز حکومت‌ها نیز می‌باشند و نه تنها نمایندگان منتخب با پیچیدگی‌ها و شایعات و حرف‌های بیهوده خود در آن جا هستند بلکه موسسات دولتی نیز با پرونده‌هایشان، بانک‌ها اطلاعاتی، و تحلیل‌گران اطلاعات در آن جا حضور دارند. از یک اداره پلیس کوچک در یک دهکده گرفته تا اداره‌های مرکزی پلیس در سطح ملی، ارتباطات و اطلاعاتی را که موجب بقای دولت است، پیگیری می‌کنند. سطوح مختلف این سلسله مراتب در روش‌های گوناگونی اتفاق می‌افتد بدین ترتیب که آنها پائین‌ترین سطوح اطلاعات را ارسال می‌کنند، در حالی که در سلسله مراتب بالاتر نه تنها اطلاعات را دریافت می‌کنند بلکه از آنها برای شکل دادن روش‌ها، پاسخ‌گویی‌ها و استراتژی‌ها استفاده می‌نمایند. به عنوان مثال پایتخت‌ها از نظر اطلاعات سیاسی غنی هستند و این عامل قسمتی از جاذبه‌ها و توانایی‌های آن شهرها می‌باشند (رنه‌شورت، ۱۳۸۶: ۹۸-۹۷). در مجموع می‌توان گفت، به هر میزان یک شهر بتواند در این عرصه گوی سبقت را از سایر شهرها در سطح ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی برآید قاعدتاً از قدرت بیشتری برخوردار خواهد شد و نقش آفرینی و بازیگری خود را تا حد قابل توجهی می‌تواند در سطوح مختلف افزایش دهد.

#### - مرکزیت تکنولوژیک و فناوری

عصر جدید در شهرها را گروهی عصر اطلاعات و گروه دیگر عصر تکنولوژی می‌نامند. زیرا در عصری از زمان قرار داریم که در هر ساعت همه چیز در حال تغییر و دگرگونی و نو شدن است. سرعت تغییرات در این عصر به حدی است که حتی نمی‌توان امروز و دیروز خود را در زندگی شهری در یک قاب قرار داد. از این رو شهرها به عنوان مرکز و خاستگاه تعاملات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در این عصر، در مرکز این تحولات قرار خواهند داشت و انسان به عنوان موجودی که همه چیز در راه آسایش خود می‌سازد و به کار می‌گیرد در این خاستگاه تعاملات یعنی شهرها، و در بستر عصر تغییرات و دگرگونی‌ها با چالش‌های فراوانی روبه‌رو خواهد شد و تکنولوژی که مسبب این تغییرات است، آمده است تا همه چیز را در جهت رفاه و آسایش انسان‌ها در زندگی فردی و شهرنشینی به کار بندد. بنابراین، تکنولوژی به عنوان یکی از ارکان جدایی‌ناپذیر، تأثیرات عمیقی را در جوامع بشری و به تبع آن، در



ساختارفضای کالبدی- اجتماعی شهرها ایجاد کرده و به دنبال این تحولات در ساختار ادراکی انسان‌ها نیز تغییراتی صورت گرفته است (محمدی و مقدسی، ۱۳۹۳: ۱). از این رو، شهرهای اندکی در جهان یافت می‌شوند که منابع مالی و انرژی خود را به سمت فناوری‌های نوین شهری هدایت کنند. اما هر ساله شهرهای مختلفی در جهان با دستیابی به تکنولوژی و فناوری نوین در حال اضافه کردن فناوری‌های مختلف به زیرساخت‌ها، سیستم حمل و نقل، ساخت و ساز و خدمات عمومی خود هستند. بنابراین آن‌چه بیش از همه سبب شده است تا شهرهای جهانی ریشه‌های قدرت و نفوذشان را در سراسر جهان بگسترانند، پیشرفت‌هایی است که در زمینه‌های دانش الکترونیک و فناوری مخابراتی و دیگر علوم مرتبط با آن روی داده است (زرقانی و اسکندران، ۱۳۹۱: ۷۸۳). از اینرو می‌توان به وجود مرکزیت تکنولوژی و فناوری در یک شهر جهت قدرت‌یابی و پیشرفت آن تأکید نمود. بر این مبنای، دارا بودن و دستیابی به مرکزیت تکنولوژی و فناوری یکی از منابع برجسته جغرافیایی قدرت محسوب می‌شود.

#### - مرکز سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی

شهرها در طول چندین دهه اخیر، تحولات اجتماعی و اقتصادی شگرفی را در نتیجه جهانی شدن تجربه کرده‌اند. بنابراین در فرایند جهانی شدن، در برخی شهرها نقش‌های جدیدی ظهور کرده و گاهی نقش‌های گذشته در مقیاس جهانی ارتقاء یافته است (پورا احمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۰-۳۴). از اینرو سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی بسیاری در جهان وجود دارند که بر اساس لایحه‌ای مقرر شکل‌گیری آن در برخی از شهرها مورد توافق همه‌ی کشورهای عضو قرار گرفته است. از جمله سازمان‌هایی که در شهرها وجود دارد می‌توان به «سازمان ملل، سازمان یونسف<sup>۱</sup> در نیویورک، سازمان بین‌المللی کار در ژنو، سازمان عفو بین‌المللی در لندن، سازمان یونیدو در اتریش» اشاره کرد با این اوصاف اگر شهری مقرر سازمان‌های بین‌المللی باشد، وجود آن سازمان‌ها در آن شهر اهمیت و جایگاه آن شهر را نسبت به سایر شهرها بالا می‌برد.

#### - مرکز شرکت‌ها، بانک‌ها و ... بین‌المللی

در فرایند جهانی شدن، در برخی شهرها نقش‌های جدیدی ظهور کرده و گاهی نقش‌های گذشته در مقیاس جهانی ارتقاء یافته است. بخش مهمی از تحولات نقش شهرها، نتیجه انتظارات فرایندهای اقتصاد جهانی از شهرهاست. در دوره جهانی شدن شبکه جهانی تولید، سرمایه، تجارت و مهاجرت نیازمند نقاط گره‌ای هستند که زیرساخت‌ها، اطلاعات و منابع مالی برای فعالیت این شبکه‌ها فراهم آورند. از اینرو، ظرفیت‌های موجود در شهرها موجب توجه عوامل جهانی شدن به شهرها شد و شهرهای معاصر به عنوان گره‌های سازمان‌یافته سرمایه‌داری جهانی، مفصل‌های جریانات کالا در سطح منطقه‌ای، ملی و جهانی و نقاط پایه‌های در فضای انباشت سرمایه جهانی عمل می‌کنند. بنابراین با وجود اهمیت تاریخی شهرها در جوامع ملی، برخی از شهرها که پیوند بیشتری با جهانی شدن دارند، به مرکزیت در سطح جهانی دست یافته‌اند. از نظر ساسن، آن‌ها فراتر از نقش تاریخی به عنوان مراکز تجارت و بانکداری بین‌المللی، اکنون به چهار روش جدید نیز مرکزیت یافته‌اند. اول، به عنوان نقاط فرماندهی بسیار متمرکز در سازمان اقتصاد جهانی؛ دوم، به عنوان مکان‌های استقرار شرکت‌های مالی و خدمات تخصصی و جایگزین صنایع کارخانه‌ای به

<sup>1</sup> Unicef

عنوان بخش صنعتی هدایت کننده؛ سوم، به عنوان مکان‌های تولید نوآوری‌ها در زمینه صنایع جدید و چهارم به عنوان بازارهایی برای عرضه تولیدات و نوآوری‌ها. به این ترتیب تغییر نقش شهرها در همه جا یکسان نیست و بستگی به میزان ادغام کشورها و شهرها در و شبکه جریانان اطلاعاتی و ارتباطی جهان دارد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۴). بنابراین شهرها مقر شرکت‌های فراملی هستند که فعالیت اقتصادی خود را در سراسر جهان پراکنده‌اند و جریانات سرمایه، نیروی کار و اطلاعات را بر می‌انگیزد، مهم‌ترین عوامل تشدید جریانات بین شهری در مقیاس جهانی محسوب می‌شوند (همان، ۳۵). بنابراین می‌توان گفت، وجود شرکت‌ها و بانک‌های بین‌المللی در شهرها که شبکه جریان اقتصادی را بر عهده دارند از جمله عوامل قدرت یافتن شهرها به حساب می‌آیند. بر این مبنای، دارا بودن و دستیابی به مرکزیت مرکز شرکت‌ها و بانک‌های بین‌المللی در شهرها یکی از منابع برجسته جغرافیایی قدرت محسوب می‌شود که منجر به برتری رقابت آن شهرها با سایر شهرها می‌شود.

#### - مرکزیت رسانه‌ای

رسانه‌ها ابزارهایی فناورانه برای انتشار پیام‌اند و به طور معمول به رسانه‌های چاپی (روزنامه، کتاب، مجله) و الکترونیکی (رادیو، سی‌دی، فیلم، تلویزیون، اینترنت) تقسیم می‌شوند. همچنین رسانه شیوه خاص انتقال پیام است که مشتمل بر نظامی از نمادها یا رمزهاست. امروزه این رسانه‌ها نقش مهمی در تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به ویژه فرهنگی دارند و به نوعی در پی تسلط بر زندگی مردم هستند. امروزه رسانه‌ها نقش بسزایی در تامین امنیت جامعه دارند. چه بسا بسیاری از رفتارهای خشونت‌آمیز و غیراخلاقی جامعه نیز منبث از تولیدات رسانه‌ای باشد. بنابراین، رسانه‌ها امروزه به عنوان یکی از اثرگذارترین ابزارهای فرهنگی و فرهنگساز در جوامع شهری، نقش کلیدی ایفا می‌کنند. زیرا رسانه‌ها به عنوان یک ابزار استراتژیک در عصر حاضر در شهرها به میزان زیادی گسترش پیدا کرده و هدایت افکار عمومی را بر عهده دارد. بنابراین رسانه‌ها در شهرهای امروزی نقش مهمی در شکل‌دهی و توسعه اقتصادی شهر ایفا می‌کنند. بنابراین شهرهای توسعه یافته در جهان دارای مرکزیت رسانه‌ای می‌باشند به گونه‌ای که با ساخت برنامه‌های رسانه‌ای به افکار عمومی جهان تأثیر می‌گذارند و همین رسانه به عنوان یک منبع مهم در اختیار شهرها می‌باشد. زیرا شهرها در عصر حاضر با در اختیار داشتن رسانه‌ها می‌توانند خود را جهانی کنند و به عنوان یک شهر جهانی پتانسل و ظرفیت‌های موجود در خود را تبلیغ کنند. بنابراین شهرهایی که دارای جاذبه‌های گردشگری، ظرفیت‌های اقتصادی و سایر پتانسیل‌های موجود می‌باشند، از این رسانه می‌توانند به عنوان یک قدرت از آن استفاده کنند بر این مبنای، دارا بودن و دستیابی به مرکزیت رسانه‌ای یکی از منابع برجسته جغرافیایی قدرت (مصنوعی) محسوب می‌شود.

#### - منابع ورزشی

بحث رقابت پذیری یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های تجارت و فعالیت در محیط پویا و رقابتی امروز است. رقابت پذیری فرایندی است که هر نهادی می‌کوشد تا از این طریق بهتر از دیگری عمل کند و از وی پیشی گیرد. کسب توانمندی‌های رقابتی در جهان امروز به یکی از چالش‌های اساسی شهرهای مختلف در سطح بین‌المللی تبدیل شده است. در سال‌های اخیر رقابت به عنوان یک مفهوم اقتصادی موثر بر توسعه پایدار صنعت ورزش حرفه‌ای، مطرح است.

(وحدانی و همکاران، ۱۳۹۴:۷۶۶). بنابراین ورزش با مطرح کردن ارزش‌های جدید اجتماعی، پا به عرصه دانش اقتصاد و هنر گذاشته است. جذابیت‌های پیدا و پنهان ناشی از این تحول، موجب برانگیختن احساسات و به وجود آمدن گرایش‌های خاص در بین تمامی جوامع نسبت به رویدادهای ورزشی شده است (همان، ۷۶۹). در عین حال، با پیشرفت جوامع و ماشینی شدن زندگی در سال‌های اخیر، ورزش به عنوان فعالیتی پویا، نقش و جایگاه بارزی در زندگی مردم داشته و به یک پدیده اجتماعی تبدیل شده است. ورزش با تولید میلیاردها دلار از طریق بلیط فروشی، حمایت مالی و حق پخش تلویزیونی، به یک پدیده اقتصادی مهم در جهان تبدیل گشته است. امروزه پیوند میان جهانگردی و ورزش نوع جدیدی از جهانگردی را ایجاد کرده است که جنبه‌های مختلف و متنوعی را دربرمی‌گیرد (فراهانی، ۱۳۹۳:۲۱۶). بررسی‌ها نشان داده که این صنعت در سال‌های اخیر بیشترین رشد را در صنعت گردشگری داشته است (جاوید و همکاران ۱۳۹۴:۱۴). فانک و براون (۲۰۰۷) بیان کردند که در سرتاسر دنیا یکی از عواملی که موجب رشد سریع و رونق بازار گردشگری می‌شود، توریسم ورزشی است و برگزاری مسابقات ورزشی در رونق بازار گردشگری نقش مهمی دارد. از نظر سولبرگ (۲۰۰۷)، میزبانی رویدادهای ورزشی مهم، موجب توسعه زیرساخت‌ها، ایجاد تجهیزات جدید، پیشرفت منطقه میزبان و جذب گردشگران بیشتر می‌شود (فراهانی، ۱۳۹۳:۲۱۶). از این‌رو، رویدادهای ورزشی بسیار مورد توجه گردشگران در سراسر دنیا قرار دارد، یا برگزاری مسابقات مختلف «جام جهانی، المپیک، قاره‌ای» در دنیا علاقمندانی برای شرکت در این مسابقات به شهر محل برگزاری سفر می‌کنند که این خود موفقیتی اقتصادی برای شهر آن کشور شمرده می‌شود. بنابراین در تحقیقات اخیر که سازمان گردشگری انگلستان انجام داده است برگزاری المپیک ۲۰۱۲ میلادی ۳٫۳ میلیارد دلار درآمد در شهر لندن برای کشور انگلستان حاصل کرد (جاوید و همکاران ۱۳۹۴:۱۴). از این‌رو امروزه بسیاری از شهرها از میزبانی رویدادهای ورزشی استفاده و گردشگران زیادی را تحریک می‌کنند. در مجموع می‌توان گفت، به هر میزان یک شهر بتواند در این عرصه گوی سبقت را از سایر شهرها در سطح ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی به رباید قاعدتاً از قدرت بیشتری برخوردار خواهد شد و نقش آفرینی و بازیگری خود را تا حد قابل توجهی می‌تواند در سطوح مختلف افزایش دهد.

#### – منابع مالی

امروزه، نقش یک شهر، نقش مرکز ایده اقتصادی است؛ مکانی که در آن ابداعات تولید روی می‌دهد؛ معاملات جدید انجام می‌شود و هنر خلاقانه، می‌تواند پیشرفت کند (رابرت‌پی، ۱۳۹۳: ۵۸). بنابراین هر شهری برای تحقق توانش‌های اقتصادی خود، نیازمند تأمین زیرساخت‌های خاص شهری است. از این‌رو یکی از راه‌های تأمین منابع مالی شهرها در دوره کنونی مالیات‌های پرداخت شده توسط شهروندان می‌باشد. برای تأمین مالی کارآمد شهرها این نوع مالیات‌ها باید به گونه‌ای ترکیب و انتخاب شوند که بیشینه سازی سود شرکت‌های شهر و رفاه ساکنان شهر را به همراه داشته باشند (همان، ۶۲-۶۱). بنابراین اگر شهری منابع مالی در اختیار نداشته باشد عمدتاً از قدرت بسیار پایینی در مقابل سایر شهرها می‌باشد. از این‌رو، دستیابی به منابع مالی پایدار دغدغه بسیاری از شهرها می‌باشد و وجود منابع مالی در شهرها به خصوص شهرهایی که شبکه جریان اقتصادی را بر عهده دارند از جمله عوامل قدرت یافتن شهرها به حساب می‌آید.

### - سازمان اجتماعی، اعم از رسمی و غیر رسمی

با پیشرفت علم و صنعت مخصوصاً انقلاب صنعتی در قرون هیجدهم و نوزدهم، ضرورت وجود تشکل‌های مردمی هرچه بیشتر محسوس گردید و این ضرورت در قرن بیستم نه تنها به اوج خود رسید بلکه موجب تغییرات کیفی و کمی در این نهادهای مردمی گردید. تشکل‌های مردمی که نخست به دلیل نیازهای شخصی و به صورت مقطعی به وجود آمد، شکل مستمر و دائمی نداشت و محدود به عرصه‌ی محدودی بود، لذا به مرور زمان، تبدیل به سازمان‌های باثباتی گردید. امروزه پیش‌بردن ارزش‌ها و علایق مشترک از مهمترین عوامل تشکیل این نهادها محسوب می‌گردد. این نهادهای مدنی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی که هر یک به نوعی با زندگی اعضای آنان سر و کار دارد فعالیت می‌کنند تا جایی که نه تنها در توسعه جوامع نقش دارند، بلکه یکی از نشانه‌های پیشرفت در جوامع، وجود نهادهای مدنی است. همچنین سازمان‌های غیردولتی در رسیدن به اهداف توسعه‌ی هزاره، تحقق حقوق بشر و عدالت اجتماعی نقش مهمی دارند. امروزه بعضی از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که سازمان‌های غیردولتی قابلیت آن را دارند که به عنوان بازیگر فعال در عرصه‌ی امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نقاط ضعف نهادهای سنتی نظیر احزاب را نیز جبران نمایند. اهمیت سازمان‌های مردم‌نهاد به حدی است که کارول، NGOs را حلقه‌ی واسط بین گروه‌های جامعه و توده‌ی مردم با سازمان‌های حکومتی و یا NGOهای بین‌المللی می‌داند. اغلب گفته می‌شود که سازمان‌های غیردولتی چون سازمان‌های کم و بیش داوطلبانه و آزاد از کنترل مستقیم دولت هستند، از نوعی انعطاف برخوردارند که به آنها امکان می‌دهد، به عنوان میانجی میان مردم و حکومت عمل کنند. آنها به عرصه‌هایی از حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دسترسی دارند که نهادهای رسمی حکومتی به آنها دسترسی ندارند. بنابراین، از ابزارهای مهم گسترش دامنه کثرت‌گرایی در جامعه شهری به شمار می‌روند. به این ترتیب، از اجزاء عمده‌ی جامعه مدنی و گسترش حقوق شهروندی هستند. در مجموع می‌توان گفت سازمان‌های مردم‌نهاد در دهه‌های اخیر رشد چشمگیری را نشان می‌دهند و حکومت‌ها نیز اهمیت این سازمان‌ها را در پیشبرد اهداف توسعه شهرها درک کرده‌اند. بر این مبنای دارا بودن سازمان‌های اجتماعی رسمی و غیر رسمی در شهر یکی از منابع برجسته جغرافیایی قدرت (مصنوعی) محسوب می‌شود که می‌تواند زمینه توسعه و پیشرفت شهر را فراهم آورد (قربانی سپهر و همکاران، ۱۳۹۶: ۴).

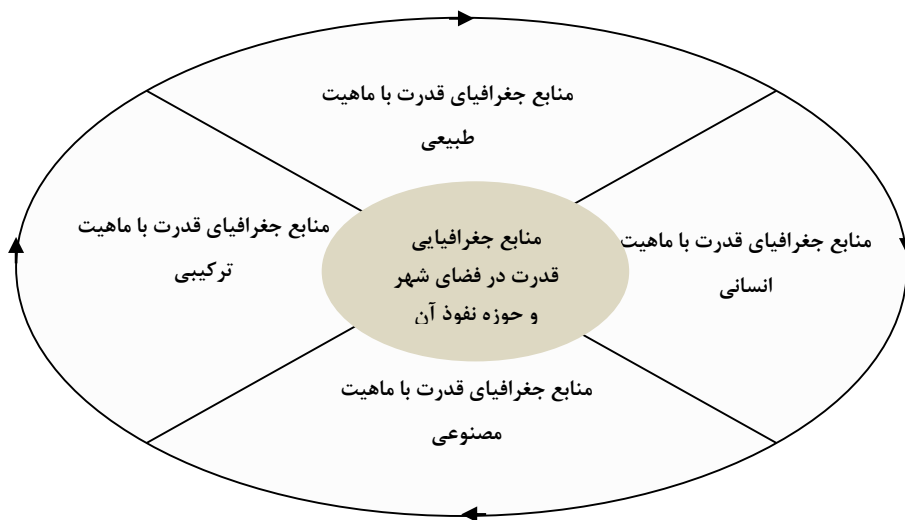
### - سایر منابع جغرافیایی قدرت (مصنوعی)

شاید به صورت کلی بتوان از موارد ذیل به عنوان منبع جغرافیایی قدرت در شهرها نام برد: وجود افراد برجسته و مشاهیر، انتخاب بعنوان پایتخت فرهنگی، شکل‌دهی و ایجاد نمادها، ساخت ویژه منظر شهری، ایجاد مراکز تفریحی، نمایشگاهی و غیره.

### نتیجه‌گیری

شکل‌گیری و گسترش گرایش موضوعی جدیدی ژئوپلیتیک شهری نشانگر افزایش نقش آفرینی و بازیگری شهرها در فضاها جغرافیایی در سطح ملی و فراملی است. اگر چه این نقش آفرینی از گذشته نیز وجود داشته است اما تغییر در ماهیت و مفهوم قدرت و ورود بازیگران فراملی زمینه‌ساز افزایش حضور شهرها به این عرصه را فراهم آورده و

بازیگری خاصی به آنها داده است که متفاوت از گذشته داده است. اما نکته‌ای که وجود دارد این است که آیا همه شهرها دارای این بازیگری متفاوت هستند و چه مولفه‌هایی زمینه‌ساز این بازیگری و نقش آفرینی متفاوت برای شهرها بوده است. شناخت این مولفه‌ها یا به بیان دیگر منابع جغرافیایی قدرت گام اولیه ورود نظام‌مند به گرایش موضوعی جدید ژئوپلیتیک شهری است. در طی تحقیق حاضر این منابع جغرافیایی قدرت (مولفه‌های ژئوپلیتیک) در قالب چهار بخش به صورت منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت طبیعی، انسانی، ترکیبی و مصنوعی در فضای شهرها و محدوده نفوذ آن تقسیم بندی شده است. بر این مبنا، تلاش شده است که این منابع جغرافیایی قدرت در فضای شهرها مورد شناسایی و تبیین قرار بگیرد. اگر چه شناخت کامل و بیان همه منابع جغرافیایی قدرت در فضای شهرها و حوزه نفوذ آن امکان‌پذیر نیست اما به صورت کلی بیش از سی منبع جغرافیایی قدرت که به نظر می‌رسد مهم‌تر هستند در قالب چهار فوق بیان شده و به صورت کلی تبیین شده است. باید توجه داشت که این منابع کامل نبوده و می‌توان مولفه‌هایی به آن اضافه و یا کم کرد. از سوی دیگر باید توجه داشت شهرها همه این منابع جغرافیایی قدرت (مولفه‌های ژئوپلیتیک) را دارا نمی‌باشند. به هر میزان شهری توانسته باشد منابع جغرافیایی قدرت بیشتری را در خود جای دهد که ارزش بیشتری داشته باشند (البته متناسب با زمان و مکان، گفتمان‌های حاکم و غیره)، اهمیت و جایگاه خود و نقش آفرینی خود را در سپهر قدرت جهانی تا حد قابل توجهی می‌تواند بالا ببرد. در مجموع باید گفت که ورود نظام‌مند به عرصه گرایش موضوعی جدید ژئوپلیتیک شهری در گام نخست نیازمند شناخت منابع جغرافیایی قدرت یا همان مولفه‌های ژئوپلیتیکی است که زمینه ساز ورود شهر به عرصه قدرت و نقش آفرینی ملی و فراملی را فراهم می‌آورد. این شناخت مولفه‌های ژئوپلیتیک را می‌توان در قالب چرخه اولیه مطالعات ژئوپلیتیک شهری به صورت شکل ذیل نمایش داد.



شکل ۲: چرخه اولیه مطالعه ژئوپلیتیک شهر منبع: نگارندگان

## منابع

- پوراحمد، احمد، قرخلو، مهدی و سیروس موسوی (۱۳۹۰). بررسی مفاهیم و شاخص‌های نظریه شهر جهانی، نشریه باغ نظر، شماره شانزدهم، سال هشتم، صص ۲۶-۴۲.
- جان‌پرور، محسن (۱۳۹۶). ژئوپلیتیک برای همه. تهران: نشر انتخاب.

- جاوید، مجید، الماسی، حسن و بهنام تقی پور (۱۳۹۴). گردشگری ورزشی و اثرات اقتصادی آن بر جوامع میزبان، فصلنامه مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۳۲، صص ۳۲-۱۳.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ سوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- حافظ نیا، محمدرضا و مراد کاویانی راد (۱۳۹۳). فلسفه جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- رابرت پی، اینمان (۱۳۹۳). تامین مالی شهرها، ترجمه: میثم بصیرت و زهرا ادهم، نشریه اقتصاد شهر، شماره سوم، صص ۷۷-۵۸.
- رحمانی، محمد (۱۳۹۱). کلان شهر ویژگی ها و مفاهیم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- رضایی، رحیم و محمد عباسی (۱۳۸۷). اثرات جهانی شدن بر ماهیت، ساختار و عملکرد شهرها، فصلنامه آمایش سرزمین، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۸۸-۱۶۵.
- رنه‌شورت، جان و هیونگ کیم، یونگ (۱۳۸۶). جهانی شدن و شهرها، ترجمه احمد احمد پور و قهرمان رستمی، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی.
- زرقانی، سیدهادی و منصوره اسکندران (۱۳۹۱). شهرهای جهانی در ژئوپلیتیک شهری و دیپلماسی شهری، تهران: مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، قابلیت ها و ظرفیت های کاربردی جغرافیای سیاسی.
- زنگنه، پیمان و سمیه حمیدی (۱۳۹۵). بانمایی نقش حوزه علمیه شهر قم در ظهور گفتمان اسلامی سیاسی در دوره پهلوی (با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی)، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۹، صص ۹۱-۷۳.
- صدیق میرزایی، رسول و امیر سجودی حقیقی (۱۳۹۲). بررسی شبکه های ارتباطی (معابر) شهری و آسیب های اجتماعی- ترافیکی، فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک، شماره ۲۹، صص ۱۲۰-۹۳.
- عزتی، عزت الله (۱۳۸۰). ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم. تهران: سمت.
- فراهانی، ابوالفضل، اصفهانی، نوشین، زارعی، محسن و حسین خالقی آرانی (۱۳۹۳). نقش مقاصد در توسعه صنعت گردشگری ورزشی در یک دوره پنج ساله در امارات ابوظبی، فصلنامه مدیریت ورزشی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۲۳۰-۲۱۵.
- قربانی سپهر، آرش، ساعدی، محبوبه و آزاده منیری مقدم (۱۳۹۶). نقش سازمان های مردم نهاد در راستای ارتقاء سرمایه فرهنگی و اجتماعی شهروندان، مشهد: مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی و هشتمین کنفرانس ملی مدیریت و برنامه ریزی شهری.
- کمانرودی کجوری، موسی، کرمی، تاج الدین، عبدی، عطاءالله (۱۳۸۹). تبیین فلسفی - مفهومی جغرافیای سیاسی شهر، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره سوم، صص ۴۴-۹.
- مجتهدزاه، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. تهران: انتشارات سمت.
- محمدی، راحله و محمد مهدی مقدسی (۱۳۹۳). تأثیرات تکنولوژی بر منظر شهری و پایداری اجتماعی (مطالعه موردی مونوریل کرمانشاه)، تهران: همایش ملی معماری، عمران و توسعه شهری نوین.
- موحدی نیا، ج. (۱۳۸۶). اصول و مبانی پدافند غیرعامل، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران.
- میناتور سجادی، آرمان (۱۳۹۳). شهر و عدالت سوسیالیستی، فصلنامه هنر و تمدن شرق، سال دوم، شماره چهارم، صص ۴۵-۳۸.
- نثاری، بنت الهدی، مرادی، ابراهیم، بهزاد، وثیق و زینب صالحی (۱۳۹۵). تأثیر بناهای آرامگاهی مذهبی در شکل گیری شهرهای ایران دوره اسلامی - نمونه موردی؛ نقش امامزاده علی الصالح (ع) در شکل گیری شهر صالح آباد (استان ایلام)، نشریه باغ نظر، دوره ۱۳، شماره ۳۸، صص ۳۶-۲۹.
- نصیری، م. ر. (۱۳۸۸). ارائه مدل مکان یابی مراکز حساس و حیاتی با توجه به اصول پدافند غیر عامل. (کارشناسی ارشد در رشته مهندسی صنایع)، گرایش سیستم های اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه علم و صنعت دانشکده صنایع
- وحدانی، محسن، مهرداد، محرم زاده و رضا طلایی (۱۳۹۴). تحلیل عوامل موثر در میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی شهر ارومیه بر اساس مدل مزیت رقابتی پورتر، فصلنامه مدیریت آموزشی، دوره ۷، شماره ۵، صص ۷۷۸-۷۶۵.
- Graham, Stephan. (2004). *Cities, War and Terrorism: Towards an Urban Geopolitics*, Oxford: Blackwell
- Myers, D& Wyatt, P. (2004). *Rethinking urban capacity: identifying and appraising vacant buildings*. BUILDING RESEARCH & INFORMATION JULY-AUGUST, 32 (4). Pp: 285-292.